

بررسی تفاوت درآمد خانوارهای شهری و دهاتی بر اساس سطح

تحصیلات و متغیرهای مرتبط در ولایت هرات طی سال ۱۴۰۳

نامزد پوهنیا سراج الدین احمدی^{۱*}، خیرمحمد محمدی^۲

استاد رشته اقتصاد ملی^۱، پوهنځی اقتصاد، فارغ التحصیل رشته اقتصاد ملی^۲، پوهنځی اقتصاد،

پوهنتون بادغیس

ایمیل: sarajahmadi1380@gmail.com

چکیده

این تحقیق به بررسی تفاوت درآمد خانوارهای شهری و دهاتی بر اساس سطح تحصیلات و متغیرهای مرتبط (نوع و وظیفه، تجربه کاری و سن) در ولایت هرات طی سال ۱۴۰۳ می پردازد. هدف تحقیق، بررسی وجود تفاوت معنادار در درآمد دو گروه شهری و دهاتی بر اساس متغیرهای یاد شده است. تحقیق از نوع کاربردی و به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. جامعه آماری شامل خانوارهای شهری و دهاتی ولایت هرات و حجم نمونه ۱۰۰ خانوار (۵۳ شهری و ۴۷ دهاتی) به روش نمونه گیری طبقه ای تصادفی انتخاب شده است. داده ها از طریق پرسش نامه ساختاریافته گردآوری و با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۵ از طریق آزمون ناپارامتریک من-وینتی و رگرسیون خطی چندگانه تحلیل شده اند. یافته ها نشان می دهد که بین درآمد خانوارهای شهری و دهاتی بر اساس سطح تحصیلات ($U=893, P=0,012$) و نوع و وظیفه ($U=995,5$), $P=0,040$) تفاوت معناداری وجود دارد؛ در حالی که بر اساس تجربه کاری ($P=0,308$) و سن ($P=0,133$) تفاوت معناداری مشاهده نگردید. بر اساس نتایج، تفاوت در ساختار اشتغال و سطح تحصیلات میان دو گروه، نقش مهمی در ایجاد اختلاف درآمدی ایفا می کند. نتایج رگرسیون خطی چندگانه نیز نشان داد که محل سکونت قوی ترین پیش بین درآمد است ($Beta = 0,570, P > 0,001$) و مدل تحقیق در مجموع ۳۳,۹ درصد از تغییرات درآمد خانوارها را تبیین می کند.

کلمات کلیدی: تحصیلات؛ تجربه کاری؛ خانوارهای شهری؛ خانوارهای دهاتی؛ درآمد؛ سن؛ نوع وظیفه



An Analysis of the Income Disparities between Urban and Rural Households in Herat Province in 2024, with Respect to Educational Attainment and Related Factors

Sarajuddin Ahmadi, Khair Mohammad Mohammadi

Abstract

This study examines the differences in income between urban and rural households based on educational attainment and related variables (occupation type, work experience, and age) in Herat Province during 1403 Hijri-Shamsi (2024-2025). The research aims to investigate whether statistically significant differences exist in income between urban and rural households across the aforementioned variables. An applied, descriptive-analytical methodology was employed. The statistical population consists of urban and rural households in Herat Province, with a sample of 100 households (53 urbans, 47 rural) selected through stratified random sampling. Data were collected via a structured questionnaire and analysed using SPSS version 25 through the Mann-Whitney U test and multiple linear regression. The findings indicate statistically significant differences in income between urban and rural households based on educational level ($U=893$, $P=0.012$) and occupation type ($U=995.5$, $P=0.040$); however, no significant differences were found based on work experience ($P=0.308$) or age ($P=0.133$). Based on these results, differences in employment structure and educational attainment between the two groups play an important role in creating income disparities. The regression results further indicated that place of residence was the strongest predictor of household income ($\text{Beta} = 0.570$, $P < 0.001$), with the overall model explaining 33.9% of the variance in income.

Keywords: Education; Work Experience; Urban Households; Rural Households; Income; Age; Occupation Type



مقدمه

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و على آله و صحبه اجمعين . حمد و سپاس بی پایان خداوند متعال را سزااست که انسان را به دانش و اندیشه گرامی داشت و راه شناخت و آبادانی جهان را برای او گشود. درود و سلام بر حضرت محمد مصطفی (ص) پیام آور علم، هدایت و رحمت و برخاندان و یاران گرامی ایشان باد.

تحصیلات به عنوان یکی از عوامل کلیدی در تعیین سطح درآمد خانوارها، به ویژه در کشورهایی مانند افغانستان، نقش مهمی ایفا می کند. در ولایت هرات تفاوت های قابل توجهی در دسترسی به آموزش و فرصت های شغلی میان مناطق شهری و دهاتی وجود دارد و این امر می تواند بر درآمد خانوارها تأثیرگذار باشد. بررسی تفاوت درآمد خانوارهای شهری و دهاتی بر اساس تحصیلات در این ولایت از جنبه های مختلف اهمیت دارد. شناسایی تفاوت های موجود در درآمد بر اساس تحصیلات در این دو محیط، می تواند تصویر دقیق تری از چالش ها و فرصت های اقتصادی فراهم سازد و به درک بهتر نابرابری های درآمدی کمک کند. تعیین تفاوت های موجود همچنین به شناسایی نیازهای آموزشی خاص هر گروه یاری می رساند و زمینه را برای طراحی برنامه های آموزشی هدفمند فراهم می سازد. این تحقیق می تواند به سیاست گذاران کمک کند تا سیاست های اقتصادی و آموزشی واقع بینانه تری برای بهبود شرایط زندگی خانوارها تدوین نمایند. درک دقیق از نیازها و چالش های موجود در هر یک از این دو محیط، به تخصیص بهینه منابع آموزشی و اقتصادی منجر می شود. هدف این تحقیق، بررسی تفاوت درآمد خانوارها بر اساس سطح تحصیلات در مناطق شهری و دهاتی هرات است. تحقیق می کوشد از طریق تحلیل داده های مربوط به تحصیلات و درآمد، تفاوت های موجود میان دو گروه شهری و دهاتی را شناسایی کند. سؤال اصلی تحقیق این است که آیا تفاوت معناداری در درآمد خانوارها بر اساس سطح تحصیلات بین مناطق شهری و دهاتی هرات وجود دارد یا خیر. پاسخ به این سؤال می تواند به شناسایی چالش ها و نیازهای هر دو گروه کمک کرده و زمینه ساز تدوین سیاست های آموزشی و اقتصادی مناسب برای بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی در ولایت هرات باشد.

تحصیلات به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی سرمایه انسانی (Psacharopoulos & Patrinos, ۲۰۲۴; Deming & Silliman, ۲۰۲۵) در بسیاری از نظریه‌های اقتصادی و اجتماعی، عاملی کلیدی در تعیین سطح درآمد، کاهش فقر و بهبود کیفیت زندگی افراد تلقی می‌شود. انتظار می‌رود که سطح تحصیلات بالاتر با دسترسی به فرصت‌های شغلی بهتر و درآمد بالاتر همراه باشد. با وجود گسترش نسبی سطح تحصیلات در میان خانوارهای شهری و دهاتی ولایت هرات طی سال‌های اخیر، شواهد موجود حاکی از آن است که تفاوت در شرایط اقتصادی ناشی از تحصیلات، در بخش شهری و دهاتی به طور یکسان نیست. در مناطق شهری، تحصیلات معمولاً با فرصت‌های کاری متنوع‌تر و درآمد بالاتر همراه است، در حالی که در مناطق دهاتی بسیاری از افراد تحصیل کرده به دلایلی همچون نبود بازار کار تخصصی، ضعف زیرساخت‌های اقتصادی، کیفیت پایین‌تر آموزش و عدم تطابق میان محتوای آموزشی و نیازهای بازار، قادر به بهره‌برداری اقتصادی مناسب از تحصیلات خود نیستند. این تفاوت در شرایط اقتصادی نه تنها موجب تضعیف نقش آموزش در بهبود معیشت دهاتیان می‌شود، بلکه نابرابری درآمدی میان شهر و دهات را نیز افزایش می‌دهد. با این که این مسئله در سطح اجتماعی قابل مشاهده است، اما تاکنون تحقیق علمی و میدانی دقیق در سطح ولایت هرات برای تحلیل این تفاوت و شناسایی عوامل مرتبط انجام نشده است. از این رو، بررسی علمی تفاوت درآمد خانوارهای شهری و دهاتی بر اساس تحصیلات در این ولایت یک ضرورت جدی و خلأ محسوس در ادبیات تحقیقی کشور به شمار می‌رود. لازم به تأکید است که این تحقیق صرفاً به بررسی تفاوت‌ها می‌پردازد و ادعای رابطه علی بین متغیرها ندارد؛ همچنین داده‌های این تحقیق مقطعی هستند و استنباط علی از آن‌ها از نظر روش‌شناسی محدودیت‌های ذاتی دارد.

تحصیلات به عنوان یکی از عوامل اساسی در توسعه اجتماعی و اقتصادی جوامع، تأثیرات عمیقی بر زندگی فردی و جمعی دارد. بررسی وضعیت تحصیلات در ولایت هرات و تفاوت‌های موجود میان خانوارهای شهری و دهاتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا سطح تحصیلات بالا به افزایش مهارت‌ها و توانمندی‌های نیروی کار منجر می‌شود و این امر به رشد اقتصادی و ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر کمک می‌کند.

بهبود وضعیت تحصیلات در مناطق دهاتی و شهری می‌تواند به افزایش تولید و درآمد خانوارها بیانجامد. دسترسی به آموزش باکیفیت، علاوه بر کاهش فقر، می‌تواند نابرابری‌های اجتماعی را نیز کاهش دهد و به توانمندسازی اقتصادی خانوارهای دهاتی و بهبود معیشت آن‌ها کمک نماید.

تحصیلات نقش مهمی در ارتقای آگاهی اجتماعی و بهداشتی افراد دارد. کسانی که از سطح تحصیلات بالاتری برخوردارند، معمولاً در زمینه‌های بهداشتی، اجتماعی و سیاسی آگاهی بیشتری دارند که این امر می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی و ارتقای سلامت عمومی جامعه منجر شود.

سرمایه‌گذاری در آموزش، به ایجاد جوامع پایدار و مقاوم نیز کمک می‌کند. با افزایش سطح تحصیلات، جوامع توانایی بیشتری برای مواجهه با چالش‌های اقتصادی و اجتماعی پیدا می‌کنند و می‌توانند توجه بیشتری به بهبود شرایط زیست‌محیطی و توسعه پایدار مبذول دارند.

تحصیلات نه تنها بر زندگی فردی افراد تأثیر می‌گذارد بلکه بر نسل‌های آینده نیز اثرگذار است. سرمایه‌گذاری در آموزش کودکان و نوجوانان می‌تواند به ایجاد جامعه‌ای با سطح تحصیلات بالاتر و مهارت‌های بیشتر منجر شود؛ از این رو، بررسی و بهبود وضعیت تحصیلات در هرات، به ویژه در مناطق دهاتی، نه تنها به توسعه فردی و خانوادگی کمک می‌کند بلکه تأثیرات مثبت گسترده‌ای بر جامعه به طور کلی خواهد داشت.

بنابراین توجه به این موضوع و ارائه راهکارهای عملی برای رفع چالش‌ها و موانع موجود در مسیر تحصیل، امری ضروری و حیاتی است و می‌تواند مبنای مهمی برای سیاست‌گذاری‌های آموزشی و اقتصادی در سطح ولایت هرات قرار گیرد. بررسی تفاوت درآمد خانوارهای شهری و دهاتی بر اساس سطح تحصیلات در ولایت هرات.

بررسی تفاوت درآمد خانوارهای شهری و دهاتی بر اساس نوع وظیفه در ولایت هرات. بررسی تفاوت درآمد خانوارهای شهری و دهاتی بر اساس تجربه کاری در ولایت هرات. بررسی تفاوت درآمد خانوارهای شهری و دهاتی بر اساس سن در ولایت هرات.

به نظر می‌رسد تفاوت معناداری در درآمد خانوارهای شهری و دهاتی بر اساس سطح تحصیلات وجود دارد.

به نظر می‌رسد تفاوت معناداری در درآمد خانوارهای شهری و دهاتی بر اساس نوع وظیفه وجود دارد.

به نظر می‌رسد تفاوت معناداری در درآمد خانوارهای شهری و دهاتی بر اساس تجربه کاری وجود دارد.

به نظر می‌رسد تفاوت معناداری در درآمد خانوارهای شهری و دهاتی بر اساس سن سرپرست خانوار وجود دارد.

تحقیق حاضر در ولایت هرات طی سال ۱۴۰۳ صورت گرفته است. انتخاب این ولایت به‌عنوان محیط تحقیق به دلایل متعددی انجام شده است. هرات از جمله ولایت‌هایی است که از لحاظ علمی و فرهنگی دارای پیشینه‌ای غنی بوده و مراکز علمی متعدد، از جمله پوهنتون‌های معتبر دولتی و خصوصی، مؤسسات تحصیلات عالی و سایر نهادهای آکادمیک در آن فعال می‌باشند. این ظرفیت‌های علمی، هرات را به محیطی مناسب برای بررسی رابطه بین تحصیلات و درآمد و تفاوت آن در میان خانوارهای شهری و دهاتی تبدیل نموده است.

این تحقیق از نوع مطالعات مقایسه‌ای-توصیفی است. جامعه آماری این تحقیق را تمامی خانوارهای شهری و دهاتی ولایت هرات تشکیل می‌دهد که بر اساس برآوردهای سرشماری‌های اخیر، تعداد آن‌ها در حدود ۵۰۰ هزار خانوار تخمین می‌شود (سازمان مرکز آمار افغانستان، ۱۴۰۱). برای تعیین حجم نمونه از فرمول یمانه گردیده است. حداقل حجم نمونه لازم را بر اساس حجم جامعه آماری (N) و سطح خطای مجاز (e) از طریق رابطه زیر محاسبه می‌کند:

$$n = \frac{N}{1 + N \cdot e^2}$$

در این رابطه n حجم نمونه، N حجم جامعه آماری (۵۰۰ هزار خانوار) و e سطح خطای مجاز (حداکثر خطای قابل قبول در برآوردهای نمونه‌ای) است. جدول ۱ پارامترهای فرمول یمانه و مقدار هر یک را در این تحقیق نشان می‌دهد.

جدول ۱- پارامترهای فرمول یمان و مقدار آن‌ها در تحقیق

پارامتر	تعریف	مقدار در این تحقیق
n	حجم نمونه مورد نیاز (خانوارهای منتخب)	۱۰۰ خانوار
N	حجم جامعه آماری (خانوارهای شهری و دهاتی ولایت هرات)	۵۰۰ هزار خانوار
e	سطح خطای مجاز در برآورد نمونه‌ای	۰,۱۰ (۱۰ درصد)
1 - e	سطح اطمینان حاصل از برآوردها	۹۰ درصد

با توجه به ماهیت مقایسه‌ای-توصیفی تحقیق، محدودیت‌های زمانی و مالی و دشواری دسترسی میدانی به خانوارها در شرایط موجود، سطح خطای ۱۰ درصد ($e = 0.10$) و در نتیجه سطح اطمینان ۹۰ درصد در نظر گرفته شد؛ سطحی که در مطالعات اکتشافی و اجتماعی-اقتصادی با محدودیت منابع میدانی، رویکردی پذیرفته‌شده محسوب می‌گردد (Israel, ۱۹۹۲). بر این اساس محاسبه حجم نمونه به شرح زیر انجام شده است:

$$n = \frac{500,000}{1 + 500,000 \times (0.10)^2} = \frac{500,000}{1 + 5,000} = \frac{500,000}{5,001} \approx 99.98 \approx 100$$

روش نمونه‌گیری به کار رفته، نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی است؛ به این صورت که ابتدا جامعه آماری به دو طبقه شهری و دهاتی تقسیم شد و سپس با توجه به نسبت جمعیت شهری (حدود ۶۰ درصد) و دهاتی (حدود ۴۰ درصد) ولایت هرات، ۵۳ خانوار شهری و ۴۷ خانوار دهاتی به صورت تصادفی ساده از مناطق مختلف شهر و دهات هرات انتخاب گردید. برای انتخاب تصادفی خانوارها از فهرست‌های موجود در مراجع محلی و نیز مراجعه حضوری به محلات استفاده شد. لازم به تأکید است که حجم نمونه ۱۰۰ خانوار به دلیل محدودیت‌های زمانی، مالی و دسترسی‌های میدانی در شرایط موجود افغانستان انتخاب شده و تعمیم نتایج به تمامی خانوارهای هرات باید با احتیاط انجام گیرد.

روش تحقیق

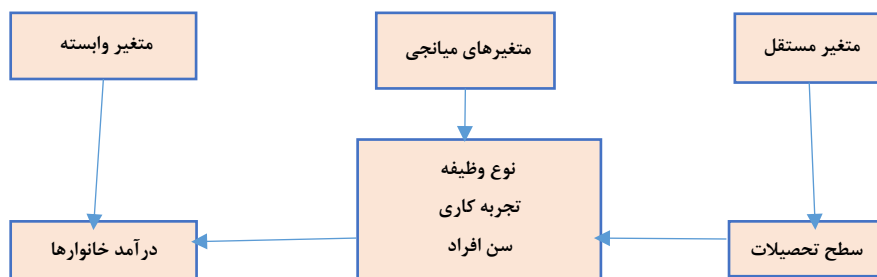
در این تحقیق جهت گردآوری داده‌های مورد نیاز، از پرسش‌نامه ساختاریافته به عنوان ابزار اصلی استفاده شده است. پرسش‌نامه شامل مجموعه‌ای از سؤالات بسته بوده که به صورت مستقیم از سرپرستان خانوار جمع‌آوری گردیده است. متغیرهای تحقیق به شرح

زیر عملیاتی شدند: متغیر وابسته (نمایه درآمد خانوار) بر اساس گویه‌های درآمدی پرسش‌نامه (سطح درآمد ماهانه، داشتن درآمد فرعی و میزان درآمد فرعی) سنجیده شد و به صورت عددی وارد تحلیل گردید.

مدل مفهومی

مدل مفهومی این تحقیق بر پایه چارچوب نظری سرمایه انسانی بنا شده است. بر اساس این مدل، محل سکونت (شهری/دهاتی) به عنوان متغیر گروهی اصلی و سطح تحصیلات به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است. تفاوت درآمد خانوارها (متغیر وابسته) بر اساس سطح تحصیلات میان دو گروه شهری و دهاتی مورد آزمون قرار می‌گیرد. علاوه بر این، نوع وظیفه، تجربه کاری و سن سرپرست خانوار به عنوان متغیرهای گروهی/تقسیم‌کننده ثانویه وارد تحلیل شده‌اند تا تصویر جامع‌تری از تفاوت‌های درآمدی ارائه شود. به عبارت دیگر، مدل مفهومی تحقیق بیان می‌دارد که درآمد خانوارها بر اساس متغیرهای یادشده در دو

محیط شهری و دهاتی تفاوت‌هایی دارد و این تحقیق به آزمون آماری این تفاوت‌ها می‌پردازد. در این مدل، ادعای علیت مطرح نیست و صرفاً وجود یا عدم وجود تفاوت معنادار بررسی می‌گردد.





یافته‌ها و نتایج تحقیق

سؤالات مربوط به جمعیت شناختی

جدول ۳- جنسیت، محل سکونت و سطح تحصیلات پاسخ‌دهندگان

مشخصات	طبقه‌بندی	تعداد	فیصد
جنسیت	مرد	۹۰	۹۰٪
	زن	۱۰	۱۰٪
	مجموع	۱۰۰	۱۰۰٪
محل سکونت	شهر	۵۳	۵۳٪
	دهات	۴۷	۴۷٪
	مجموع	۱۰۰	۱۰۰٪
سطح تحصیلات	بی‌سواد	۵	۵٪
	ابتدایی	۸	۸٪
	دیپلوم	۱۹	۱۹٪
	فوق‌دیپلوم	۲۴	۲۴٪
	لیسانس	۳۱	۳۱٪
	ماستری	۹	۹٪
	بالتر از ماستر	۴	۴٪
	مجموع	۱۰۰	۱۰۰٪

به منظور شناخت بهتر خصوصیات پاسخ‌دهندگان، سؤالات جمعیت‌شناختی در سه بعد جنسیت، محل سکونت و سطح تحصیلات طراحی شده است. این اطلاعات برای تحلیل ویژگی‌های زمینه‌ای نمونه آماری و فراهم‌سازی بستر مناسب جهت تفسیر یافته‌های اصلی تحقیق به کار می‌رود و هر یک از آن‌ها به صورت جداگانه تحلیل می‌گردد.

جنسیت پاسخ‌دهندگان

آمار به دست آمده از مجموعه نمونه نشان می‌دهد که اکثریت پاسخ‌دهندگان را مردان تشکیل می‌دهند؛ به گونه‌ای که از مجموع ۱۰۰ نفر، ۹۰ نفر (۹۰٪) مرد و ۱۰ نفر (۱۰٪) زن می‌باشند.

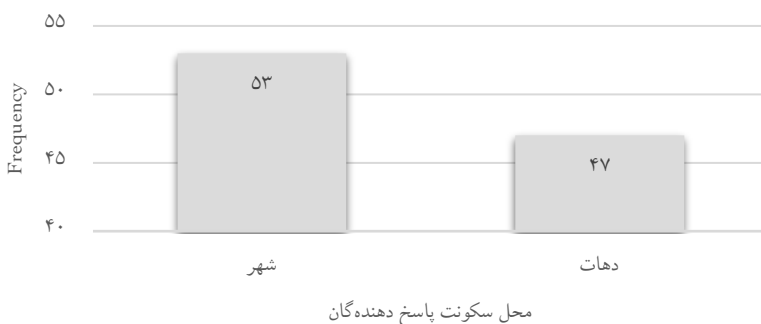
جنسیت پاسخ دهنده‌گان



محل سکونت پاسخ دهنده‌گان

با توجه به اینکه تحقیق حاضر ماهیت مقایسه‌ای دارد و هدف آن سنجش تفاوت درآمد دو گروه شهری و دهاتی بر اساس سطح تحصیلات است، نمونه تحقیق به صورت تصادفی طبقه‌ای انتخاب شده است. بر این اساس، ۵۳ نفر از خانوارهای شهری و ۴۷ نفر از خانوارهای دهاتی به عنوان نمونه آماری انتخاب گردیدند.

محل سکونت پاسخ دهنده‌گان



سطح تحصیلات پاسخ دهنده‌گان

سطح تحصیلات پاسخ دهنده‌گان این تحقیق نشان می‌دهد که اکثریت آنان دارای مدرک لیسانس بوده و اقلیت را افراد بی‌سواد و بالاتر از ماستر تشکیل می‌دهند. از مجموع ۱۰۰



نفر، ۵ نفر بی سواد، ۸ نفر دارای تحصیلات ابتدایی، ۱۹ نفر دیپلوم، ۲۴ نفر فوق دیپلوم، ۳۱ نفر لیسانس، ۹ نفر ماستری و ۴ نفر بالاتر از ماستر می باشند.

برای بررسی دقیق تر تفاوت های تحصیلی میان خانوارهای شهری و دهاتی، جدول ۴ توزیع سطح تحصیلات را بر حسب محل سکونت نشان می دهد. همان طور که ملاحظه می شود، توزیع سطوح تحصیلی در دو گروه متفاوت است. در گروه شهری، اکثریت پاسخ دهندگان دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر هستند (۳۰ نفر از ۵۳ نفر، معادل ۵۷ درصد)، در حالی که در گروه دهاتی، سهم بیشتری از افراد دارای تحصیلات دیپلوم و فوق دیپلوم بوده (۲۴ نفر از ۴۷ نفر، معادل ۵۱ درصد) و تعداد افراد بی سواد نیز نسبتاً بیشتر از گروه شهری است (۴ نفر در برابر ۱ نفر). این تفاوت در توزیع تحصیلات می تواند یکی از عوامل اصلی ایجاد اختلاف درآمدی میان دو گروه تلقی شود، زیرا دسترسی به سطوح بالاتر تحصیلی در مناطق شهری بیشتر بوده و این امر با فرصت های شغلی بهتر و درآمد بالاتر همراه است. نبود مؤسسات تحصیلات عالی در بسیاری از مناطق دهاتی ولایت هرات، مانع از دسترسی ساکنان این مناطق به تحصیلات تخصصی شده و این امر بر بازده اقتصادی تحصیلات آن ها تأثیر منفی گذاشته است. این یافته با نتایج تحقیق (Asadi (2024 درباره نگرش به آموزش در مناطق دهاتی افغانستان و همچنین مطالعه Barriga-Cabanillas و همکاران (2023) درباره فقر در افغانستان همخوانی دارد.

جدول ۴- توزیع سطح تحصیلات بر حسب محل سکونت پاسخ دهندگان

سطح تحصیل	سوایی	ابتدای	دیپلو	دیپل فوق	لیسان	ماست	از	مجمو
د	ی	م	م	س	ری	ماس	تر	ع
۱	۳	۸	۱۱	۱۹	۷	۴	۵۳	
(۵۳ شهر نفر)								



دهات	۴	۵	۱۱	۱۳	۱۲	۲	۰	۴۷
نفر) (۴۷								
مجموع	۵	۸	۱۹	۲۴	۳۱	۹	۴	۱۰۰
نفر)								

تجزیه و تحلیل پایایی داده‌ها

برای اطمینان از این که ابزار تحقیق و سؤالات پرسش‌نامه توانایی سنجش درست متغیرهای مورد نظر را دارند، پایایی آن‌ها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ارزیابی شده است. یک ابزار اندازه‌گیری زمانی از پایایی مناسب برخوردار است که در اندازه‌گیری‌های تکراری، نتایج نسبتاً یکسانی به دست دهد. آلفای کرونباخ (رنجبران، ۱۳۹۸) یکی از رایج‌ترین روش‌ها برای محاسبه پایایی در تحقیقات علوم اجتماعی است.

به طور معمول، مقادیر آلفای کرونباخ به این صورت تفسیر می‌شوند: بزرگ‌تر از ۰٫۹۰، عالی، بین ۰٫۸۰ تا ۰٫۹۰، خوب، بین ۰٫۷۰ تا ۰٫۸۰، قابل قبول، بین ۰٫۶۰ تا ۰٫۷۰، قابل قبول در حد مرزی، بین ۰٫۵۰ تا ۰٫۶۰، ضعیف و کمتر از ۰٫۵۰، غیرقابل قبول تلقی می‌گردد.

Reliability Statistics

Cronbach's Alpha	N of Items
.770	۱۹

در این تحقیق، مقدار آلفای کرونباخ برای ۱۹ گویه پرسش‌نامه برابر با ۰٫۷۷۰ به دست آمده است که بالاتر از حد قابل قبول ۰٫۷۰ می‌باشد؛ بنابراین می‌توان گفت ابزار مورد



استفاده از پایایی مناسب برخوردار است و وضعیت موجود پرسش نامه برای تحلیل های بعدی تأیید می گردد.

علاوه بر پایایی، روایی ابزار اندازه گیری نیز مورد بررسی قرار گرفت. روایی محتوایی پرسش نامه با استفاده از نظر متخصصان اقتصاد و روش تحقیق تأیید شد. به این منظور، پرسش نامه به ۵ تن از اساتید دانشگاهی رشته اقتصاد ارائه گردید و نظرات آن ها در مورد شفافیت، اهمیت و مرتبط بودن سؤالات با اهداف تحقیق اخذ و اعمال شد. همچنین روایی ظاهری ابزار از طریق پیش آزمون روی ۱۰ پرسش نامه (خارج از نمونه اصلی) بررسی و تأیید گردید. ضریب روایی محتوایی (CVI) برای تمامی گویه ها بالاتر از حد قابل قبول (۰.۷۸) به دست آمد که نشان دهنده تطابق مناسب سؤالات با سازه مورد سنجش است. با این حال، باید توجه داشت که روایی سازه (Construct Validity) از طریق تحلیل عاملی در این تحقیق بررسی نشده است که یکی از محدودیت های این تحقیق به شمار می رود.

آزمون نرمالتی داده ها

پیش از انتخاب آزمون های آماری مناسب، ضرورت دارد نرمال بودن توزیع متغیرهای تحقیق بررسی شود؛ زیرا بسیاری از آزمون های پارامتریک مانند t و ANOVA مبتنی بر پیش فرض نرمال بودن داده ها هستند و در صورت عدم تحقق این پیش فرض، باید از آزمون های ناپارامتریک استفاده شود.

Tests of Normality

	Kolmogorov-Smirnov ^a			Shapiro-Wilk		
	Statistic	Df	Sig.	Statistic	Df	Sig.
تحصیلات	.117	100	.002	.958	100	.003
نوع وظیفه	.137	100	.000	.935	100	.000
تجربه کاری	.237	100	.000	.864	100	.000
سن افراد	.137	100	.000	.972	100	.034
درآمد	.162	100	.000	.938	100	.000

a. Lilliefors Significance Correction

آزمون نرمالتی داده‌ها

در این تحقیق، برای سنجش نرمال بودن داده‌ها از دو آزمون آماری کولموگروف-اسمیرنوف و شاپیرو-ویلک استفاده شده است. نتایج این آزمون‌ها نشان می‌دهد که مقادیر سطح معناداری (Sig) برای تمامی متغیرها کمتر از ۰,۱۰ (۱۰٪) است؛ ازاین رو می‌توان نتیجه گرفت که توزیع داده‌ها نرمال نیست. بر همین اساس، برای آزمون فر ضیه‌های تحقیق به جای آزمون‌های پارامتریک از آزمون‌های ناپارامتریک استفاده شده است (از جمله آزمون من-ویتنی).

علاوه بر آزمون ناپارامتریک من-ویتنی و به منظور سنجش رابطه و اندازه تاثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر درآمد خانوارها به صورت هم‌زمان، از رگرسیون خطی چندگانه به روش وارد کردن هم‌زمان متغیرها (Enter) استفاده گردید. در این تحلیل، متغیر وابسته نمایه درآمد خانوار و متغیرهای مستقل شامل نمایه‌های ترکیبی سطح تحصیلات، نوع وظیفه، تجربه کاری و سن (میانگین گویه‌های مرتبط هر متغیر در پرسش‌نامه) و متغیر مجازی محل سکونت (شهر = ۱، دهات = ۰) بودند. پیش از برآورد مدل، پیش فرض‌های رگرسیون بررسی شد: مقادیر واریانس تورم (VIF) برای تمامی متغیرها کمتر از ۱,۵ و مقادیر تلورانس بالاتر از ۰,۷ به دست آمد که نشان‌دهنده نبود هم‌خطی چندگانه جدی است؛ آماره دوربین-واتسون برابر ۱,۹۸ است که بیانگر استقلال باقی مانده‌ها می‌باشد. هرچند آزمون‌های نرمال بودن باقی مانده‌ها (کولموگروف-اسمیرنوف: $D = 0,091, P = 0,044$)؛ شاپیرو-ویلک: $(W = 0,973, P = 0,039)$) انحراف متوسطی از نرمال بودن را نشان دادند، با توجه به این که در نمونه‌های متوسط ($n = 100$) آماره‌های (t) و (F) در برابر انحراف متوسط از نرمال بودن باقی مانده‌ها مقاوم‌اند و برآورد مجدد مدل با خطای معیار مقاوم در برابر ناهمسانی واریانس نیز همین نتایج را تأیید کرد، تفسیر نتایج مدل قابل اتکا است. یادآور می‌شود پیش فرض نرمال بودن در رگرسیون ناظر بر توزیع باقی مانده‌ها است، نه توزیع متغیرهای خام؛ از این رو غیرنرمال بودن متغیرهای تحقیق (که مبنای استفاده از من-ویتنی قرار گرفت) مانع استفاده از رگرسیون نیست.

آزمون فرضیه‌های تحقیق

آزمون فرضیه فرعی اول (نوع وظیفه)

H0: تفاوت معناداری در درآمد خانوارهای شهری و دهاتی بر اساس نوع وظیفه وجود ندارد.

Ha: تفاوت معناداری در درآمد خانوارهای شهری و دهاتی بر اساس نوع وظیفه وجود دارد.

Ranks			
محل سکونت پاسخ‌دهندگان	N	Mean Rank	Sum of Ranks
شهر	53	55.22	2926.50
دهات	47	45.18	2123.50
Total	100		
Test Statistics ^a			
		درآمد بر اساس نوع وظیفه	
Mann-Whitney U		995.500	
Wilcoxon W		2123.500	
Z		-1.748	
Asymp. Sig. (2-tailed)		.040	
a. Grouping Variable: محل سکونت			

براساس آزمون من-ویتنی، میانگین رتبه درآمد خانوارهای شهری (۵۵,۲۲) بیشتر از خانوارهای دهاتی (۴۵,۱۸) است. مقدار آماره من-ویتنی U برابر با ۹۹۵,۵۰۰، مقدار Z برابر با ۱,۷۴۸- و سطح معناداری آزمون برابر با ۰,۰۴۰ می‌باشد که از سطح خطای ۵٪ کمتر است؛ بنابراین فرضیه صفر رد و نتیجه‌گیری می‌شود که بین درآمد خانوارهای شهری و دهاتی بر اساس نوع وظیفه تفاوت معناداری وجود دارد. این نتیجه نشان می‌دهد که توزیع نوع وظایف و ساختار اشتغال در مناطق شهری و دهاتی به‌گونه‌ای است که با تفاوت درآمد همراه بوده و فرضیه فرعی اول تأیید می‌گردد.

آزمون فرضیه فرعی دوم (تجربه کاری)

H0: تفاوت معناداری در درآمد خانوارهای شهری و دهاتی بر اساس تجربه کاری وجود ندارد.

Ha: تفاوت معناداری در درآمد خانوارهای شهری و دهاتی بر اساس تجربه کاری وجود دارد.

Ranks			
محل سکونت پاسخ‌دهندگان	N	Mean Rank	Sum of Ranks
شهر	53	53.18	2818.50
دهات	47	47.48	2231.50
Total	100		

Test Statistics ^a	
	درآمد بر اساس تجربه کاری
Mann-Whitney U	1103.500
Wilcoxon W	2231.500
Z	-1.020
Asymp. Sig. (2-tailed)	.308

a. Grouping Variable: محل سکونت

نتایج آزمون من-ویتنی نشان می‌دهد که میانگین رتبه درآمد خانوارهای شهری (۵۳,۱۸) اندکی بیشتر از خانوارهای دهاتی (۴۷,۴۸) است؛ اما مقدار U برابر با ۱۱۰۳,۵۰۰ و سطح معناداری آزمون ۰,۳۰۸ به دست آمده است که از سطح خطای ۵٪ بیشتر می‌باشد. در نتیجه، فرضیه صفر رد نمی‌شود و نتیجه گرفته می‌شود که تفاوت معناداری بین درآمد خانوارهای شهری و دهاتی بر اساس تجربه کاری وجود ندارد و فرضیه فرعی دوم تأیید



نمی‌گردد. به عبارت دیگر، تفاوت در تجربه کاری سرپرستان خانوار در دو گروه شهری و دهاتی، با تفاوت معنادار در سطح درآمد آن‌ها همراه نبوده است.

آزمون فرضیه فرعی سوم (سن افراد)

H0: تفاوت معناداری در درآمد خانوارهای شهری و دهاتی بر اساس سن افراد وجود ندارد.

Ha: تفاوت معناداری در درآمد خانوارهای شهری و دهاتی بر اساس سن افراد وجود دارد.

Ranks			
محل سکونت پاسخ‌دهندگان	N	Mean Rank	Sum of Ranks
شهر	53	46.43	2461.00
دهات	47	55.09	2589.00
Total	100		

Test Statistics ^a	
	درآمد بر اساس سن افراد
Mann-Whitney U	1030.000
Wilcoxon W	2461.000
Z	-1.501
Asymp. Sig. (2-tailed)	.133

a. Grouping Variable: محل سکونت

بر اساس آزمون من-ویتنی، میانگین رتبه درآمد خانوارهای دهاتی (۵۵,۰۹) بیشتر از خانوارهای شهری (۴۶,۴۳) است. با این حال، مقدار U برابر با ۱۰۳۰,۰۰۰ و سطح معناداری آزمون ۰,۱۳۳ به دست آمده است که بزرگتر از سطح خطای ۵٪ می‌باشد. بنابراین فرضیه صفر رد نمی‌شود و نتیجه گرفته می‌شود که تفاوت معناداری بین درآمد خانوارهای شهری و دهاتی بر اساس سن افراد وجود ندارد و فرضیه فرعی سوم تأیید نمی‌گردد.

H0: تفاوت معناداری در درآمد خانوارهای شهری و دهاتی بر اساس سطح تحصیلات وجود ندارد

Ha: تفاوت معناداری در درآمد خانوارهای شهری و دهاتی بر اساس سطح تحصیلات وجود دارد.

Test Statistics^a

درآمد بر اساس سطح تحصیلات	
Mann-Whitney U	893.000
Wilcoxon W	2021.000
Z	-2.500
Asymp. Sig. (2-tailed)	.012
a. Grouping Variable: محل سکونت	

Ranks

محل سکونت پاسخ‌دهندگان	N	Mean Rank	Sum of Ranks
شهر	53	57.15	3029.00
دهات	47	43.00	2021.00
Total	100		

نتایج آزمون من-ویتنی نشان می‌دهد که میانگین رتبه درآمد خانوارهای شهری (۵۷,۱۵) بیشتر از خانوارهای دهاتی (۴۳,۰۰) است. مقدار آماره U برابر با ۸۹۳,۰۰۰، مقدار Z برابر با ۲,۵۰۰- و سطح معناداری آزمون ۰,۰۱۲ است که کمتر از سطح خطای ۵٪ می‌باشد؛ بنابراین فرضیه صفر رد می‌شود و نتیجه گرفته می‌شود که بین درآمد خانوارهای شهری و دهاتی بر اساس سطح تحصیلات تفاوت معناداری وجود دارد و فرضیه اصلی تحقیق تأیید می‌گردد. این یافته نشان می‌دهد که توزیع سطوح تحصیلی و بازده اقتصادی آن در دو محیط شهری و دهاتی متفاوت بوده و خانوارهای شهری با سطح تحصیلات مشابه، درآمد بالاتری نسبت به خانوارهای دهاتی دارند.

رگرسیون خطی چندگانه



برای پاسخ به این پرسش که کدام یک از متغیرهای تحقیق و با چه اندازه‌ای بر درآمد خانوارها تاثیر می‌گذارند، مدل رگرسیون خطی چندگانه برآورد شد و نتایج آن در جداول ۵ تا ۷ ارائه شده است. مطابق جدول ۵، ضریب تعیین چندگانه برابر ۰,۳۳۹ است؛ یعنی پنج متغیر وارد شده در مدل در مجموع ۳۳,۹ درصد از تغییرات درآمد خانوارها را تبیین می‌کنند و ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۰,۳۰۴ به دست آمده است.

جدول ۵- خلاصه مدل رگرسیون خطی چندگانه

مدل	R	R ²	R ² تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد	دوربین- واتسون
1	0.582	0.339	0.304	0.382	1.983

متغیر وابسته: نمایه درآمد خانوار؛ روش ورود متغیرها: هم‌زمان (Enter). پیش‌بین‌ها: سطح تحصیلات، نوع وظیفه، تجربه کاری، سن و محل سکونت (شهر = ۱، دهات = ۰).

جدول ۶- تحلیل واریانس (ANOVA) مدل رگرسیون

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	Sig.
رگرسیون	7.042	5	1.408	9.637	<0.001
باقی مانده	13.736	94	0.146		
کل	20.778	99			

جدول ۷- ضرایب رگرسیون خطی چندگانه

متغیر	B	SE	Beta	t	Sig.	تلورانس	VIF
عرض از مبدأ (ثابت)	1.466	0.366	—	4.007	<0.001		
سطح تحصیلات	0.127	0.097	0.120	1.301	0.196	0.832	1.20
نوع وظیفه	-0.060	0.052	-0.113	-1.138	0.258	0.711	1.41

1.37	0.732	0.433	-	-	0.051	-	تجربه کاری
1.27	0.790	0.155	0.788	0.077	0.068	0.040	سن
			1.434	0.135	0.097		محل سکونت
1.07	0.930	<0.001	6.561	0.570	0.079	0.521	شهر = ۱، دهات
							(۰ =

(SE): خطای استاندارد؛ (Beta): ضریب استاندارد شده؛ تلورانس و (VIF):

شاخص های هم خطی چندگانه.

مطابق جدول ۶، آماره F برابر ۹,۶۳۷ با سطح معناداری کمتر از ۰,۰۰۱ به دست آمده است که نشان می دهد مدل رگرسیون در مجموع معنادار است و ترکیب پنج متغیر مستقل، توان تبیین معناداری از تغییرات درآمد خانوارها دارد. ضریب تعیین تعدیل شده (۰,۳۰۴) نشان می دهد که با توجه به تعداد متغیرها و حجم نمونه، حدود ۳۰ درصد از پراکندگی درآمد توسط مدل تبیین می شود؛ مقداری که در مطالعات میدانی اجتماعی-اقتصادی با متغیرهای خوداظهاری، در حد قابل قبولی ارزیابی می گردد. آماره دورین-واتسون (۱,۹۸۳) نزدیک به ۲ بوده و نشان دهنده استقلال باقی مانده ها است و مقادیر تلورانس و (VIF) در جدول ۷ نبود هم خطی چندگانه جدی میان متغیرهای مستقل را تأیید می کند.

چنان که از جدول ۷ برمی آید، محل سکونت تنها متغیری است که اثر مستقل و معناداری بر درآمد دارد ($B = ۰,۵۲۱$, $Beta = ۰,۵۷۰$, $t = ۶,۵۶۱$, $P < ۰,۰۰۱$). ضریب این متغیر بیان می کند که در حالی که سایر متغیرها ثابت نگه داشته می شوند، نمایه درآمد خانوارهای شهری به طور متوسط ۰,۵۲ واحد بالاتر از خانوارهای دهاتی است؛ تفاوتی که از نظر اقتصادی قابل توجه بوده و معادل بیش از یک انحراف معیار نمایه درآمد (۰,۴۵۸) است. این یافته با نتایج آزمون من-ویتی کاملاً سازگار است و نشان می دهد تفاوت درآمدی دو گروه پس از کنترل هم زمان سطح تحصیلات، نوع وظیفه، تجربه کاری و سن نیز پایدار می ماند؛ به عبارت دیگر، اختلاف درآمد شهری و دهاتی بیش از آن که ناشی از ترکیب متفاوت ویژگی های فردی دو گروه باشد، ریشه در تفاوت های ساختاری بازار کار و فرصت های اقتصادی دو محیط دارد.

ضریب سطح تحصیلات مثبت است ($B = 0.127$, $Beta = 0.120$) اما پس از کنترل سایر متغیرها در سطح خطای ۵ درصد معنادار نیست ($t = 1.301$, $P = 0.196$). این نتیجه با یافته من-ویتی مقاله (معناداری تفاوت درآمد بر اساس سطح تحصیلات میان دو گروه، $P = 0.012$) در تضاد نیست؛ زیرا دو آزمون دو پرسش متفاوت را پاسخ می‌دهند: من-ویتی تفاوت خام توزیع درآمد دو گروه شهری و دهاتی را می‌سنجد، در حالی که ضریب رگرسیون اثر خالص تحصیلات را پس از کنترل محل سکونت و سایر متغیرها نشان می‌دهد. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که بخش عمده رابطه مشاهده‌شده میان تحصیلات و درآمد، از مسیر تفاوت‌های ساختاری میان دو محیط (تمرکز فرصت‌های تحصیلی و شغلی مناسب با تحصیلات در مناطق شهری) عمل می‌کند و اثر خالص تحصیلات درون هر گروه، در این حجم نمونه به سطح معناداری نمی‌رسد. این تفسیر با نظریه سرمایه انسانی و شواهد جهانی درباره بازده تحصیلات (Psacharopoulos & Patrinos, 2024; Montenegro & Patrinos, 2023) سازگار است که نقش بستر اقتصادی-جغرافیایی را در تحقق بازده تحصیلات برجسته می‌کند.

ضرایب نوع وظیفه ($B = -0.060$, $P = 0.258$)، تجربه کاری ($B = -0.040$, $P = 0.433$) و سن ($B = 0.097$, $P = 0.155$) در سطح ۵ درصد معنادار نیستند. نتایج تجربه کاری و سن با یافته‌های من-ویتی مقاله هم‌راستا است و مجدداً تأیید می‌کند که این دو متغیر به تنهایی و پس از کنترل سایر عوامل، تبیین‌کننده معنادار درآمد در نمونه مورد مطالعه نیستند. در مورد نوع وظیفه، هرچند آزمون من-ویتی تفاوت معناداری را نشان داده بود ($P = 0.040$)، اما با ورود هم‌زمان متغیرها به مدل، اثر مستقل آن معنادار نمی‌شود؛ این امر نشان می‌دهد بخش عمده اثر مشاهده‌شده نوع وظیفه در تحلیل دو متغیر، هم‌پوشان با اثر محل سکونت و سطح تحصیلات بوده است (ضریب همبستگی نوع وظیفه با تحصیلات ۰.۳۵۷ است) و پس از جداسازی این اثرها، سهم خالص آن کم‌رنگ می‌گردد.

در مجموع، نتایج رگرسیون تصویر به دست آمده از آزمون من-ویتی را تکمیل و دقیق‌تر می‌کند: تفاوت درآمدی خانوارهای شهری و دهاتی ولایت هرات عمدتاً پدیده‌ای

ساختاری و ناظر بر محل سکونت است و متغیرهای فردی سطح تحصیلات، نوع وظیفه، تجربه کاری و سن، به تنهایی و پس از کنترل محل سکونت، توان تبیین مستقل معناداری از درآمد ندارند. این یافته اهمیت سیاست‌های مکان‌محور (توسعه فرصت‌های شغلی و تحصیلی در مناطق دهاتی) را برجسته می‌سازد؛ زیرا نشان می‌دهد صرف ارتقای ویژگی‌های فردی بدون بهبود بستر اقتصادی محیط، به تنهایی قادر به کاهش شکاف درآمدی نخواهد بود.

مناقشه

نتایج این تحقیق نشان داد که تفاوت معناداری در درآمد خانوارهای شهری و دهاتی بر اساس سطح تحصیلات و نوع وظیفه وجود دارد. این یافته‌ها را می‌توان از چند منظر تفسیر کرد. نخست، از منظر نظریه سرمایه انسانی (Psacharopoulos & Patrinos, ۲۰۲۴; Lemieux, ۲۰۲۴)، تفاوت در ساختار اقتصادی و فرصت‌های شغلی شهری و دهاتی می‌تواند دلیل اصلی این تفاوت باشد. در مناطق شهری، بازار کار متنوع‌تر بوده و فرصت‌های شغلی متناسب با سطوح مختلف تحصیلی بیشتر وجود دارد؛ در حالی که در مناطق دهاتی، محدودیت فرصت‌های شغلی تخصصی باعث می‌شود که حتی افراد تحصیل‌کرده نتوانند از مزایای اقتصادی تحصیلات خود بهره‌مند شوند. دوم، از منظر نظریه تقسیم کار جغرافیایی، تمرکز فعالیت‌های اقتصادی با ارزش افزوده بالا در مناطق شهری، تفاوت درآمدی را تشدید می‌کند. سوم، ضعف ارتباط بین نظام آموزشی و نیازهای بازار کار در مناطق دهاتی، باعث عدم تناسب بین مهارت‌های آموخته‌شده و مشاغل موجود می‌شود. عدم تأیید فرضیه‌های تجربه کاری و سن نیز قابل تفسیر است؛ در بازار کار سنتی ولایت هرات، به‌ویژه در مناطق دهاتی، نظام‌های رسمی ارتقا و پاداش بر اساس سابقه کار ضعیف بوده و بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی بر مهارت‌های خاص استوار نیستند. در تکمیل آزمون من-ویتنی، نتایج رگرسیون خطی چندگانه نشان داد که پس از کنترل هم‌زمان متغیرها، محل سکونت تنها متغیری است که اثر مستقل و معناداری بر درآمد دارد ($P < 0.001$) و اثر خالص سطح تحصیلات مثبت اما غیرمعنادار است ($P = 0.196$). این یافته نشان می‌دهد بخش عمده تفاوت درآمدی مشاهده‌شده میان دو

گروه، بازتاب تفاوت‌های ساختاری میان بازار کار شهری و دهاتی است و با دیدگاه سرمایه انسانی درباره نقش بستر اقتصادی-جغرافیایی در تحقق بازده تحصیلات سازگار است (Psacharopoulos & Patrinos, ۲۰۲۴); (Montenegro & Patrinos, 2023).

با مقایسه تحقیق حاضر با پنج تحقیق پیشین می‌توان به روشنی دریافت که این تحقیق در چندین بُعد اساسی دارای نوآوری بوده و خلأهای موجود در تحقیقات قبلی را تا حدی پوشش داده است. در تحقیق فاطمه گریوانی و همکاران (۱۳۹۴)، هرچند رابطه میان آموزش و درآمد تأیید شده است، اما تحلیل صرفاً در سطح فردی و بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های جغرافیایی یا ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی انجام شده و متغیر مهم نوع وظیفه و نقش آن در تفاوت درآمد افراد با سطح تحصیلات مختلف نادیده گرفته شده است؛ در حالی که تحقیق حاضر با وارد کردن این متغیر به تحلیل، دیدی کاربردی‌تر ارائه کرده است.

در تحقیق زهرا علمی (۱۳۹۴) نیز فقط جمعیت شهری بررسی شده و مناطق دهاتی حذف گردیده‌اند، در حالی که تحقیق کنونی با رویکرد مقایسه‌ای بین خانوارهای شهری و دهاتی، تفاوت‌های محیطی و ساختار وظیفوی را به خوبی منعکس می‌کند. همچنین در تحقیق علمی، متغیرهایی مانند سن، تجربه کاری و نوع وظیفه به عنوان عوامل مستقل یا میانجی در نظر گرفته نشده‌اند، در حالی که تحقیق حاضر با بررسی این متغیرها ابعاد مختلفی از عوامل مؤثر بر درآمد را پوشش داده است.

در مورد تحقیق محمد لشکری (۱۳۹۵)، که با استفاده از مدل نیمه‌لگاریتمی و روش OLS انجام شده، تمرکز بر رابطه میان تحصیلات، تجربه کاری و درآمد در سطح فردی و عمدتاً در مناطق شهری بوده است. هرچند در آن تحقیق تجربه کاری نیز تأثیرگذار تلقی شده، اما تحلیل محدود به جامعه آماری شهری است و مقایسه‌ای میان محیط‌های مختلف جغرافیایی و نقش نوع وظیفه صورت نگرفته است.

همچنین تحقیق فرهاد دژند (۱۳۹۵) نشان می‌دهد که کشش درآمد سالانه ناشی از کار مردان نسبت به تحصیلات آن‌ها بیشتر از کشش درآمد نسبت به تجربه (یادگیری در عمل) است و در مورد زنان نیز کشش درآمد نسبت به تحصیلات بیش از تجربه کاری

گزارش شده است؛ با این حال، رویکرد آن تحقیق فردمحور بوده، در حالی که تحقیق حاضر با رویکرد خانوارمحور طراحی شده است. در نهایت، تحقیق کلیم الله موحد (۱۴۰۲) در ولسوالی کرخ صرفاً به بررسی رابطه ساده میان تحصیلات و درآمد خانوارها پرداخته و به نتایج پیش‌بینی‌پذیری مبنی بر رابطه مثبت این دو متغیر رسیده است، اما متغیرهای مهمی مانند نوع وظیفه و دید مقایسه‌ای میان محیط‌های مختلف در آن لحاظ نشده است.

در مقابل، تحقیق حاضر با بررسی هم‌زمان متغیر سطح تحصیلات به‌عنوان متغیر مستقل اصلی، متغیرهای نوع وظیفه، تجربه کاری و سن به‌عنوان متغیرهای گروهی و درآمد به‌عنوان متغیر وابسته و نیز با رویکرد تحلیلی-مقایسه‌ای میان شهر و دهات، تصویری جامع‌تر و بومی‌تر از تفاوت‌های درآمدی خانوارها در ولایت هرات ارائه می‌کند. از جمله ویژگی‌های شاخص این تحقیق می‌توان به بررسی هم‌زمان چندین متغیر، تحلیل تفاوت‌های ساختاری بین محیط‌های جغرافیایی و استفاده از سطح خانوار به‌عنوان واحد تحلیل اشاره کرد.

نتیجه‌گیری

این تحقیق با هدف بررسی تفاوت درآمد خانوارهای شهری و دهاتی بر اساس سطح تحصیلات و متغیرهای مرتبط در ولایت هرات انجام شد. با استفاده از آزمون ناپارامتریک من-ویتنی و تحلیل داده‌های گردآوری‌شده از ۱۰۰ خانوار، فرضیه‌ها و سؤالات تحقیق مورد آزمون قرار گرفتند. نتایج نشان داد که بر اساس سطح تحصیلات تفاوت معناداری در درآمد دو گروه شهری و دهاتی وجود دارد؛ به عبارت دیگر، خانوارهای شهری و دهاتی با سطوح تحصیلی مشابه، درآمد متفاوتی دارند.

یافته‌ها نشان می‌دهد که در محیط‌های شهری، میانگین رتبه درآمد بر اساس سطح تحصیلات بالاتر از مناطق دهاتی بوده است. این تفاوت می‌تواند ناشی از ساختار متفاوت بازار کار، تنوع بیشتر فرصت‌های شغلی و وجود مشاغل با ارزش افزوده بالاتر در مناطق شهری باشد. فرضیه اصلی تحقیق مبنی بر وجود تفاوت معنادار بین درآمد خانوارهای شهری و دهاتی بر اساس سطح تحصیلات تأیید گردید. در خصوص

فر ضیه‌های فرعی، نتایج نشان داد که فقط فر ضیه مرتبط با نوع وظیفه تأیید شده است؛ یعنی توزیع نوع وظایف در دو محیط شهری و دهاتی با تفاوت درآمد همراه بوده است. در مقابل، دو فر ضیه مربوط به تجربه کاری و سن سرپرست خانوار تأیید نشدند؛ به این معنا که تفاوت معناداری در درآمد بر اساس این دو متغیر میان خانوارهای شهری و دهاتی مشاهده نگردید. این یافته می‌تواند ناشی از عواملی مانند ساختار سنتی بازار کار و فقدان نظام‌های رسمی ارتقا بر اساس سابقه و سن در بسیاری از مشاغل محلی باشد. افزون بر این، نتایج رگرسیون خطی چندگانه که برای سنجش رابطه و اندازه تاثیر متغیرها اجرا شد، نشان داد مدل تحقیق معنادار است ($F = 9,637, P < 0,001$) و در مجموع ۳۳,۹ درصد از تغییرات درآمد را تبیین می‌کند. در این مدل، محل سکونت قوی‌ترین پیش‌بین درآمد بود ($Beta = 0,570, P < 0,001$)؛ به گونه‌ای که خانوارهای شهری در شرایط مشابه از نظر تحصیلات، وظیفه، تجربه و سن، به طور متوسط در سطح درآمد بالاتری قرار دارند. اثر مستقل سطح تحصیلات مثبت اما غیرمعنادار بود ($P = 0,196$) و این نتیجه در کنار یافته‌های من-ویتنی تأیید می‌کند که شکاف درآمدی دو گروه بیش از آن‌که معلول تفاوت در ویژگی‌های فردی باشد، ریشه در تفاوت‌های ساختاری دو محیط شهری و دهاتی دارد.

به‌طور کلی، یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که سطح تحصیلات و نوع وظیفه از مهم‌ترین عوامل ایجادکننده تفاوت درآمدی میان خانوارهای شهری و دهاتی در ولایت هرات به‌شمار می‌آیند، در حالی که تجربه کاری و سن به‌تنهایی نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد این تفاوت‌ها ندارند. لازم به تأکید است که این یافته‌ها صرفاً وجود تفاوت را نشان می‌دهند و نمی‌توان از آن‌ها رابطه علی استنباط نمود.

پیشنهادهای

افزایش دسترسی به آموزش در مناطق دهاتی: با توجه به وجود تفاوت معنادار در درآمد خانوارهای شهری و دهاتی بر اساس سطح تحصیلات، توصیه می‌شود دولت و نهادهای مسئول، سرمایه‌گذاری بیشتری در بخش آموزش در مناطق

دهاتی انجام دهند تا ساکنان این مناطق نیز از فرصت‌های برابر تحصیلی برخوردار شوند.

گنجاندن آموزش مالی و آگاهی اقتصادی در برنامه درسی مکاتب: پیشنهاد می‌شود در برنامه درسی مکاتب، آموزش‌های مرتبط با سواد مالی و آگاهی اقتصادی گنجانده شود تا شاگردان از دوران مکتب رابطه بین تحصیل، درآمد و مدیریت پول را بیاموزند.

ایجاد فرصت‌های شغلی متناسب با تحصیلات در مناطق دهاتی: با توجه به اینکه تفاوت درآمدی میان شهری و دهاتی احتمالاً ناشی از تفاوت در ساختار اشتغال است، توصیه می‌شود برنامه‌هایی برای ایجاد فرصت‌های شغلی متناسب با سطوح تحصیلی در مناطق دهاتی طراحی و اجرا شود تا تحصیلات بازده اقتصادی مناسبی در این مناطق داشته باشد.

افزایش آگاهی خانواده‌ها درباره اهمیت تحصیل: توصیه می‌شود برنامه‌های آگاهی‌دهی برای خانواده‌ها، به‌ویژه در مناطق دهاتی، اجرا گردد تا والدین نسبت به اهمیت تحصیلات فرزندان خود آگاه‌تر شده و آن‌ها را به ادامه تحصیل تشویق کنند.

بازنگری در نظام‌های استخدامی و ارتقای شغلی: نظام استخدام و ترفیع شغلی باید به‌گونه‌ای اصلاح شود که معیارهای تحصیلی و مهارت‌های واقعی افراد در آن مورد توجه قرار گیرد تا عدالت نسبی در توزیع درآمد تقویت گردد.

محدودیت‌های تحقیق: این تحقیق با محدودیت‌های متعددی مواجه بوده است که باید در تفسیر نتایج مد نظر قرار گیرند. نخست، حجم نمونه ۱۰۰ خانوار نسبت به جامعه آماری بزرگ ولایت هرات محدود است و تعمیم نتایج باید با احتیاط انجام گیرد. دوم، داده‌های تحقیق مقطعی هستند و امکان استنباط رابطه علی بین متغیرها وجود ندارد؛ تنها می‌توان تفاوت‌ها را گزارش کرد. سوم، ابزار اندازه‌گیری



صرفاً بر پایه خوداظهاری بوده و ممکن است خطای گزارش در آن وجود داشته باشد. چهارم، روایی سازه پرسش نامه از طریق تحلیل عاملی بررسی نشده است. پنجم، در این نسخه از مقاله رگرسیون خطی چندگانه برای بررسی هم زمان اثر متغیرها به تحلیل ها افزوده شده است؛ با این حال به دلیل ماهیت نمایه ای متغیرها (سنجش با مقیاس لیکرت) و حجم نمونه، نتایج رگرسیون باید با احتیاط تفسیر شود و تعمیم ضرایب برآوردی به جامعه آماری با احتیاط صورت گیرد. ششم، نوسانات اقتصادی و سیاسی حاکم بر افغانستان در زمان جمع آوری داده ها بر کیفیت و دسترسی به داده ها تأثیر گذاشته است. همچنین، بررسی اثر متقابل تحصیلات و محل سکونت که دقیقاً موضوع اصلی این مقاله بود، به دلیل محدودیت های روش تحقیق و ابزار آماری به کاررفته به صورت کامل امکان پذیر نبود.

منابع

- عظیمی، محمد نعیم. (۱۴۰۰). *روش تحقیق در اقتصاد و تجارت*. انتشارات سعید.
- رنجبران، هادی. (۱۳۹۸). *آمار و احتمال و کاربرد آن در اقتصاد* (جلد اول، چاپ ۲۴). انتشارات اثبات.
- سازمان مرکز آمار افغانستان. (۱۴۰۱). *سرشماری ملی جمعیت و مسکن*. سازمان مرکز آمار افغانستان.
- موحد، شامیر. (۱۴۰۲). *علم اقتصاد کلان*. انتشارات قدس.
- وزارت اقتصاد افغانستان. (۱۴۰۲). *گزارش وضعیت اقتصادی ولایت هرات*. وزارت اقتصاد.
- Asadi, M. H. (2024). *Attitudes toward women's education in Afghanistan* (CESifo Working Paper No. 11244). CESifo.
- Barriga-Cabanillas, O., et al. (2023). *Updating poverty in Afghanistan using the SWIFT-Plus*. World Bank Policy Research Working Paper. World Bank.
- Deming, D. J., & Silliman, M. (2025). Skills and human capital in the labor market. In *Handbook of labor economics* (Vol. 6). North-Holland.
- Evans, D. K., et al. (2026). Changing perceptions of educational returns in low- and middle-income countries. *World Development*, 191, 106572.
- Groteclaes, T., et al. (2025). Equity of maternal and child health services in Afghanistan. *BMC Health Services Research*, 25(1), 112.
- Hassanzoy, N., et al. (2025). Patterns of rural and urban food insecurity in Afghanistan. *Food Policy*, 125, 102617.
- Israel, G. D. (1992). *Determining Sample Size*. University of Florida, IFAS Extension, Publication PEOD-6.
- Lemieux, T. (2024). Estimating the return to schooling using the Mincer equation: A survey. *IZA World of Labor*, Article 493.
- Li, M. (2024). Labor market segmentation and the gender wage gap: A human capital perspective. *Frontiers in Public Health*, 12, 10977760.